

آگاهی پیدا کنیم و ساحت‌های آن را بشناسیم؛ اما متأسفانه نیازسنجی پژوهشی در کشور، با نوعی تأخر روبه‌رو بوده است و الگوی مشخص و سامانه جامعی برای این منظور طراحی نشده است. این مشکل در همه رشته‌ها و علوم وجود دارد و البته در عرصه علوم انسانی شدیدتر است و الگوی معینی برای نیازسنجی پژوهشی در علوم انسانی نداریم. حوزه‌های علمیه در این عرصه کارهایی کرده‌اند و از جهاتی پیش‌گام بوده‌اند. هم‌اکنون طراحی الگوی نیازسنجی دانش‌های حوزوی را در دست اقدام داریم که البته در حال پیشرفت و تجربه است و از تعامل فی‌مابین ذهن و دنیای خارج شروع شده است. نخستین نیازسنجی فقه را در حوزه‌های علمیه انجام داده‌ایم که در زمستان ۱۳۹۱ منتشر شد و نیازسنجی روان‌شناسی را هم در پاییز ۱۳۹۲ منتشر خواهیم کرد. مجموعاً پانزده نیازسنجی پژوهشی را در شاخه‌های مختلف علم طراحی کرده‌ایم که هر کدام بین ۱۵ تا ۱۰۰ درصد پیشرفت داشته است. از دل این کار، الگوی نیازسنجی پژوهشی به دست خواهد آمد.

این پانزده رشته، تقریباً عمده عرصه‌هایی که در حوزه فعال شده و صاحب انجمن علمی است را شامل می‌شود؛ فقه، فلسفه، کلام، علوم تربیتی، روان‌شناسی، سیاست، تاریخ و سیره، علوم قرآن و حدیث و غیره. این نیازسنجی‌ها با دو رویکرد تلفیقی تقاضامحور و دانش‌محور انجام می‌شود؛ زیرا تجربه نشان داده است که نیازسنجی پژوهشی را نمی‌توان و نباید صرفاً با یک رویکرد انجام داد و جامعیت خود را از دست می‌دهد.

آ البته به نظر می‌رسد این پانزده رشته به صورت دانش‌محور طراحی

آ نیازسنجی پژوهشی در کشور، با نوعی تأخر روبه‌رو بوده است و الگوی مشخص و سامانه جامعی برای این منظور طراحی نشده است. این مشکل در همه رشته‌ها و علوم وجود دارد و البته در عرصه علوم انسانی شدیدتر است و الگوی معینی برای نیازسنجی پژوهشی در علوم انسانی نداریم.

آ ظام می‌تواند خود را از مشارکت حوزه‌های علمیه در سیاست‌گذاری و تعیین راهبردهای کلان عرصه علم و فن آوری کشور بی‌نیاز بداند. نهاد علم یک نهاد اجتماعی است و تمام ارباب عرصه‌های دانش باید در راهبری آن مشارکت داشته باشند.

شده‌اند...

علمی، اجرایی و فرهنگی کشور هستند. در نیازسنجی‌های انجام‌شده، علاوه بر تعامل با صاحبان فکر در هر عرصه، با دستگاه‌های مرتبط نیز تعامل می‌کنیم تا نیازها و انتظارات خود از نهاد دین را بر اساس جدول طراحی‌شده اعلام کنند. این گام نخست در نیازسنجی است.

آ این انتظارات در چه فرایندی به نیازسنجی تبدیل می‌شوند؟

پس از جمع‌آوری نظرات، باید به بررسی نیازها بپردازیم تا همه عبارت‌ها به مسئله استاندارد پژوهشی تبدیل شوند. همچنین باید نیازها را با نیازهای کاذب از نیازهای حقیقی جدا کنیم و گاه به تفکیک نیازهای کلی به جزئی بپردازیم. مرحله بعدی، اولویت‌گذاری است که ناظر به محدودیت امکانات و منابع انسانی پژوهشی و در چارچوب مجموعه‌ای از شاخص‌ها انجام می‌شود.

اهمیت ذاتی و جایگاه آن در منظومه دانش، تأثیرگذاری در ارتقاء نظام علمی گروه دانش علوم ارزشی و کمک به توسعه آن، کمک به علوم بین‌رشته‌ای، کثرت ابتلا، کمیت و گستره مصرف‌کننده، فوریت مسئله و شاخص‌هایی از این دست، نشان‌دهنده ضرورت و اولویت یک مسئله خواهند بود.

بله، درست است که دانش است، اما به آن معنا نیست که نیازها را فقط دانشوران، آن‌هم فقط ناظر به ساختار دانش و هندسه آن علم تعیین کنند. واقعیت این است که همه نیازها در ذهنیات دانشوران خلاصه نمی‌شود و بخش قابل توجهی از نیازهای هر عرصه، نیازهایی است که جامعه و آحاد مردم احساس می‌کنند. بنابراین باید سازوکارهایی پیش‌بینی شود که آحاد جامعه و دستگاه‌های نظام، به عنوان نمایندگان اجرایی جامعه و محل رجوع مردم، بتوانند نیازهایشان را اعلام کنند. این نیازی است که از سوی متقاضیان مصرف دانش در بطن جامعه ابراز می‌شود و به وسیله نیازسنجی تقاضامحور قابل دریافت است و مینا و رویکرد ما در این محور، نگاه متقاضیان مصرف دانش است. ترکیب این دو محور در نیازسنجی دقیق پژوهشی پاسخگو خواهد بود و ما این طرح را با همین ترکیب پیش می‌بریم؛ هم ابراز نظر اصحاب دانش را داریم و هم به متقاضیان مصرف دانش مراجعه می‌کنیم.

آ ماخذ دست‌یابی به تقاضا یا همان نیاز پژوهشی کجاست؟

در شرایط فعلی، مناسب‌ترین منبع برای احصاء تقاضا، دستگاه‌های

امکان‌سنجی اجرای مسئله نیز برای ما مهم است و ممکن است محدودیت زمانی، مالی یا علمی وجود داشته باشد. در مجموع دو دسته شاخص در این عرصه وجود دارد؛ شاخص‌هایی که نشان‌دهنده ضرورت و اهمیت ذاتی مسئله است و دیگری شاخص‌هایی که میزان امکان تحقق و اجرای یک پژوهش را نشان می‌دهد.

الگوهای اولویت‌گذاری نیز متنوع است و چندی از آن‌ها تجربه شده است. الان اولویت‌گذاری ما بر اساس همین شاخص‌ها و نظرات صاحب‌نظران و دستگاه‌های شرکت‌کننده در نیازسنجی انجام می‌شود.

اگر این چرخه در کشور به درستی طراحی شود و به مجموعه کامل و بزرگی از نیازهای پژوهشی برسیم، می‌توانیم مشخص کنیم که دستگاه‌های پژوهشی و پژوهشگران، چه ظرفیت علمی و مادی برای اجرای آن‌ها دارند تا بتوانیم نیازها را بر اساس اولویت‌ها به تولیدکنندگان دانش، یعنی صف پژوهش مرتبط احصاء شده را به دستگاه‌های مصرف‌کننده مرتبط کنیم تا به پشتیبانی از پژوهش‌ها بپردازند. یعنی دست جامعه مصرف‌کننده دانش در دست جامعه تولیدکننده دانش بگذاریم تا مصرف‌کننده هم در هزینه تولید دانش مشارکت داشته باشد و زمینه اجرای آن را هم مهیا کند. این حلقه‌های واسطه، همان ستادهای پژوهش هستند.

آ آیا این ارتباط، ارتباط مستمری بوده است؟ یعنی فرایند نیازسنجی به صورت مستمر انجام می‌شود؟

متأسفانه در این خصوص در هیچ‌یک از مقررات نظام پژوهشی کشور چیزی وجود ندارد که قابل استناد باشد و بتوان بر اساس آن چنین الزامی را به وجود آورد. اما نیازسنجی‌های گسترده معمولاً از طریق انجمن‌های علمی انجام می‌شود.

آ پس به صورت مقطعی است؟

فعلاً این‌گونه است؛ اما درصدد طراحی سامانه جامع نیازسنجی پژوهشی عرصه دین هستیم که اگر اتفاق بیفتد، برای حوزه، نظام و جامعه علمی کشور بسیار مبارک خواهد بود. در این سامانه همه اشخاص، اعم از صاحب‌نظران، عموم مردم و دستگاه‌هایی اجرایی می‌توانند در سطوح مختلفی ورود پیدا کنند و نیازها و خلأهایی که احساس می‌کنند را گزارش کنند. همراهی متقاضی در

